

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه توهین بمأمور دولت را شامل موردی دانسته که عمل مأمور از اعمال

تصدی دولت محسوب بوده

مواد ۱۶۰ و ۱۶۲ قانون کیفر

است زیرا دادگاه عمل را با ماده ۱۶۰ و ۱۶۲ قانون کیفر همگانی تطبیق و بموجب آن در باره متهمان تعیین کیفر نموده و حال آن که دو ماده مزبور شامل عمل انتسابی بمتهمان نمی شود چه مقصود از وظیفه و مأموریت مذکور در ماده ۱۶۰ و ۱۶۲ قانون نامبرده اعمالی است که مأمورین دولت از لحاظ حاکمیت انجام می دهند و عمل مورد حکم (آب باز کردن باغبان برای باغ دولتی) عمل حاکمیت بشمار نمیرود بلکه عمل تصدی محسوب است و مقاومت و تمرد نسبت بمأمور دولت و یا توهین بمستخدم دولت حین انجام این نحو عملی باسبب آن بادماده مزبور انطباق ندارد لذا حکم فرجخواستیه از این جهت مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری به اتفاق آراء شکسته میشود»

دو نفر باتهام این که با باغبان اداره کشاورزی که برای باز کردن آب بیاع دولتی رفته مقاومت و باو توهین کرده اند مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و ادعای نامطبق مواد ۱۶۰ و ۱۶۱ قانون کیفر بدادگاه جنحه تقدیم می گردد - دادگاه نامبرده پس از رسیدگی هر يك از آن ها را طبق مواد نامبرده با رعایت تعدد و تخفیف برای تمرد سه ماه و برای توهین بهشت روز حبس تادیبی محکوم می کند و در مرحله پژوهشی نیز حکم استوار می شود - بر اثر فرجام خواستن محکومین شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۳۰۹۶ مورخ ۱۸.۱۲.۱۲ چنین رای داده است : « بطوریکه از طرف فرجخواهان اعتراض شده از لحاظ تطبیق عمل مورد حکم با ماده قانونی برای تعیین کیفر اشکال مؤثری بر حکم فرجخواستیه وارد

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه کیفری (با آنکه ثبوت بزه انجام دو معامله متعارض منوط باثبات امری

در دادگاه حقوق بوده) قرار اناطه صادر نکرده

ماده ۱۷ آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۱۷ ثبت

همان را با سند رسمی بدیگری اجاره داده مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع و دادگاه جنحه او را بر طایفه

کسی باتهام این که با سند عادی ملک خود را به دو نفر بمدت سه سال اجاره داده و پیش از گذشتن مدت

شعبه (۵) دیوان کشور در حکم شماره ۳۱۰۵ مورخ ۸-۱۲-۱۸ چنین رأی داده است :

« نظر باین که متهم مدعی شده که ورقه ابراز به اجاره نامه و یک سند الزام آوری بوده و بلکه صرفاً برای وصول وجه اجاره سابق نوشته شده و بر فرض این که ورقه الزام آور تلقی شود از لحاظ عدم تأدیه وجه اجاره حق فسخ و عدول از آن ورقه را داشته که تمام این قسمت ها محتاج بر رسیدگی بوده و مورد از موارد ناطه محسوب بوده است بنابراین حکم فرجاً خواسته برخلاف ماده ۱۷ قانون آئین دادرسی صادر شده و بر طبق ماده ۳۰ آن قانون باتفاق آراء شکسته شده ... »

ماده يك قانون انتقال مال غیر و ماده ۲۳۸ قانون کیفر غیاباً بيش ماه حبس تادیبی محکوم می کند - محکوم علیه اعتراض نموده و دادگاه نامبرده به مناسبت این که قضیه مشمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت بوده حکم را گسیخته و قرار عدم صلاحیت بعنوان صلاحیت دیوان جنائی صادر می کند - دیوان جنائی پس از رسیدگی ارتکاب متهم را بانجام دو معامله متعارض که دومی با سند رسمی بوده مجرماً دانسته و بر طبق ماده ۱۱۷ قانون ثبت رعایت تخفیف بر طبق ماده ۴۴ قانون کیفر بدو سال حبس مجرد محکوم می شود - بر اثر فرجاً خواهی محکوم علیه

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

- ۱ - در موردیکه دادگاه حبس کمتر از دو ماه را مؤثر در تکرار بزه دانسته
- ۲ - در موردیکه دادگاه حکم بمنع اقامت بدون تعیین مدت صادر کرده

ماده ۲۵ و ماده ۲۲۸ قانون کیفر

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درخواست رسیدگی فرجامی نموده اند - شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۸۱۱ مورخ ۲۵-۳-۱۹ چنین رأی داده است :

« رعایت حکم تکرار جرم در محکومیت به حبس تادیبی دو ماه یا کمتر بر خلاف ماده ۲۵ قانون کیفر عمومی و نیز حکم بمنع اقامت بدون تعیین مدت بر خلاف ماده ۲۲۸ آن قانون است و بر حسب تقاضای آقای دادستان دیوان کشور حکم فرجاً خواسته با استناد بماده ۴۶۴ اصلاحی شهریور ۳۱۲ باتفاق آراء شنسته می شود و چون این شکستن حکم برای حفظ قانون است ارجاع نمی شود »

کسی بیزه سرقت مورد تعقیب واقع شده و در دادگاه بخشی که بامور جنحه نیز رسیدگی می کرده رسیدگی عمل آمده و با تطبیق عمل بر ماده ۲۲۶ کیفر و رعایت شق ۱ ماده ۲۵ آن قانون از جهت داشتن يك پیشینه محکومیت و رعایت تخفیف بيش ماه حبس تادیبی محکوم می گردد که پس از اجرای کیفر از اقامت در محل نیز ممنوع باشد این حکم بمدير دفتر و محکوم ابلاغ شده و دیگر اقدامی بعمل نیامده است - سرانجام جناب آقای دادستان دیوان کشور (از نظر این که اولاً پیشینه کمتر از دو ماه در تکرار بزه بی تاثیر است و ثانیاً مدت ممنوعیت در حکم ذکر نشده) بنام حفظ قانون

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه استان دادخواست پژوهشی از رأی نهائی دادگاه شهرستان را وازده

ماده ۴۷۵ آئین دادرسی مدنی

را وازده است - محکوم علیه فرجاخواستیه و شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۳۲۰۴ مورخ ۱۵-۱۲-۱۸ چنین رأی داده است :

« با ملاحظه مقدمه رأی دادگاه شهرستان که خواسته خواهان را مبلغ یکمزار و هشتاد و چهار منات صد و هشتاد کیلک تعیین و ذیل آن که خواننده را به تادیه میزان مبلغ محکوم نموده واضح است که دادگاه رأی نهائی خود را صادر کرده منتهی از لحاظ این که تادیه عین منات امکان ندارد برای تعیین بهاء آن نظریه کارشناس را لازم دیده که این امر بیشتر در مرحله اجرائی مؤثر است لذا قرار فرجاخواستیه مبنی بر رد دادخواست پژوهشی منطبق با قانون نیست و بموجب ماده ۵۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی باتفاق آراء شکسته میشود »

کسی بخواسته ۱۳۸۴ منات زرو ۸۰ کیلک و خسارت تاخیر تادیه و غیره مقوم به ۲۳۵۲۸ ریال در دادگاه شهرستان بر دیگری اقامه دعوی می نماید - دادگاه پس از رسیدگی خواننده را محکوم می نماید که ۱۳۸۴ منات زرو ۸۰ کیلک بخواهان بپردازد و چون راجع بهای منات بین دو طرف اختلاف بوده دادگاه برای تعیین بهای آن نظریه کارشناس فنی را لازم دانسته و خسارت تاخیر و حق و کالت را موکول بتعیین بهای منات کرده بعلاوه خواننده بپرداخت هزینه دادرسی نیز محکوم می گردد محکوم علیه پژوهش خواسته و دادگاه استان (باستناد این که هر چند دادگاه رأی خود را بشکل حکم صادر کرده ولی چون هنوز گردش کار در مرحله نخستین باقی است و رأی نهائی صادر نشده) دادخواست پژوهشی

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه درخواست مطالبه سند از اداره دولتی را نپذیرفته

ماده ۳۰۴ آئین دادرسی مدنی

منکر امر تولیت پژوهش خواه میباشد و انتساب وقفنامه استنادی او را بمنسوب الیه تکذیب کرده و نظر بانکه قرار داد تنظیمی بین وکیل متولی سابق با مدعی قانونا قابل تأثیر در باره پژوهش خواننده نیست و تقاضای وکیل پژوهش خواه هم از دادگاه در باره خواستن اصل وقفنامه از اداره اوقاف تقاضای قانونی و قابل اجرا نبوده و در نوشت مربوط بصورت مجلس تحقیقات تنظیمی در اداره اوقاف از نماینده متولی سابق دلیل احراز اعتبار وقفنامه مدرک

کسی بخواسته تولیت و رفع ید از موقوفه ای بر دیگری در دادگاه شهرستان اقامه دعوی میکنند و دادگاه پس از رسیدگی دعوی او را ثابت ندانسته و به بیحقی محکوم می شود - پس از استواری حکم در دادگاه استان و شکسته شدن در دیوان کشور دادگاه استان دیگر چنین رأی داده است (نظر باینکه اداره اوقاف حسب رونوشت نامه مورد استناد پژوهش خواه مشارالیه را متولی موقوفه شناخته و نظر باین که پژوهش خواننده

پژوهشخواه و صحت دعوی تولیت مشارالیه نیست زیرا با فرض مسلم بودن ارتباط و انطباق نکات مذکور در صورت مجلس مزبور باوقف نامه ادعائی مندرجات آن ورقه فقط حاکی از آن است که اداره اوقاف بر حسب وظیفه نظر بوجود وقفنامه در آن اداره راجع بمقررات و مصارف مذکوره در آن ورقه بنا نمایند مزبور مذاکراتی نموده و این جریان و با ملاحظه مناقشات متولی فعلی از حیث انکار وقفنامه و اعتراض بر عمل متولی سابق دلیل قضائی بر اصالت و اعتبار وقفنامه مزبور و موجب حکم باحراز مراتب دعوی و عنوان تولیت ادعائی وی نیست و رونوشت مزبور را هم نمی توان منطبق بمواردی دانست که قانون رونوشت اسناد را بمنزله اصل آن ها تلقی کرده است و در خارج عنوان تولیت پژوهش خواه در ورقه ثبت شده مربوط بر قببات سابق الذکر هم طبق مستفاد از ماده ۳۱ قانون ثبت دلیل اثبات امر مزبور بشمار نرفته بنا بر این اعتراض و کیل پژوهشخواه نسبت بدادنامه صادر از دادگاه شهرستان غیر وارد و داد نامه مزبور خالی از اشکال بنظر می رسد و تایید می شود) بر اثر فرجام خواهی محکوم علیه شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۵۲ مورخ ۱۴-۱-۱۹ چنین رأی داده است:

«رای دادگاه استان در استوار کردن حکم نخستین مبتنی بر سه امر است:

۱- تکذیب وقفنامه منسوب بمرحوم واقف و عدم اقامه دلیل بر صحت و اعتبار رونوشت گواهی شده در اداره اوقاف و قانونی نبودن تقاضای و کیل فرجامخواه از دادگاه درباره خواستن اصل آن از اداره اوقاف

۲- عدم تاثیر قرارداد و کیل متولی سابق با فرجام خواه در باره متولی فعلی

۳- عدم دلالت صورت تحقیقات از نماینده متولی سابق بر صحت وقفنامه ادعائی

نظر باینکه و کیل فرجامخواه بشرح لایحه ملفوفه پرونده اظهار داشته که اصل وقفنامه از طرف متولی سابق بدادگاه اوقاف تسلیم شده و درخواست نموده که از اداره اوقاف اصل آن مطالبه شود هر گاه بمتولی رد کرده اند بمتولی فعلی تکلیف ابراز بعمل آید و چون اقدام دادگاه بدرخواست اوراق استنادی اصحاب دعوی از ادارات درلایه بر طبق تقاضای آنان مانع قانونی ندارد و خود داری دادگاه از پذیرفتن این تقاضا که ممکن تاثیر در حکم قضیه میباشد مخالف اصول کلی برای رسیدگی و احراز حق است و نظر باین که و کیل فرجامخواه مذاکرات نماینده متولی سابق را در اداره اوقاف بشرح صورت مجلس تنظیمی در آنجا که متضمن تصدیق وقفنامه ادعائی است و همچنین اقدام و کیل متولی سابق را بتصدیق و قفیت رقبات مورد نزاع از ناحیه واقف و تولیت فرجامخواه بسمت و کالت و نمایندگی از طرف متولی سابق معرفی کرده و در صورت ثبوت این امر خالی از تاثیر در حکم قضیه نیست و دادگاه در این موضوع رسیدگی و دقت نکرده و بدون دلیل موجهی رد نموده است بنا بر مراتب مذکوره رسیدگی دادگاه ناقص و حکم مورد شکایت فرجامی از این حیث مخدوش و بموجب ماده ۵۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی با فو آراء شکسته میشود»

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه حکم به بی حقی زن در مطالبه هشت يك بهای اعیانی صادر کرده

ماده ۹۴۷ و ۹۴۸ قانون مدنی و ماده ۲۴ قانون ثبت

خانه‌ای ملک شوهر خواهان بوده و پس از مرگش بخوانده و پسر دیگر و خواهان رسیده و هشت يك اعیانی متعلق به او است و نیز مطالبه مهریه نموده است - دادگاه پس از رسیدگی غیاباً حکم بپرداخت خواسته و خسارت صادر می‌کند - محکوم علیه اعتراض نموده که معترض علیها بعنوان قیومت من و برادرم در خواست ثبت ۴ دانگ خانه را بدون قید موروثی بودن نموده دو دانگ دیگر را هم به نام خود در خواست ثبت کرده و سپس بمصلح نموده است بعلاوه سند مالکیت خانه صادر شده و حرفی از کسی پذیرفته نیست - دادگاه اعتراض را راجع بدو دانگ وارد دیده و پس از گسیختن حکم خوانده بابت بهای هشت يك اعیانی و بابت نصف مهریه و خسارات بمبلغی محکوم می‌شود بر اثر پژوهش خواهی محکوم علیه دادگاه استان چنین رای داده است :

(چون رقباتی که ثمنیه اعیانی آن از طرف پژوهش خوانده مورد مطالبه واقع شده که دادگاه بدوی راجع به ثمنیه ۲ دانگ نسبت بسهم پژوهشخواه او را ذیحق تشخیص داده است از طرف خود پژوهش خواه و بعنوان تعلق به اولاد خود در خواست ثبت کرده و در موقع در خواست ثبت ذکر از حقوق خود نسبت بقیمت ثمن اعیانی ننموده است و بادر نظر گرفتن مفاد ماده ۹۴۸ قانون مدنی و در نظر گرفتن اینکه نسبت بر قببات مزبور سند مالکیت صادر شده و با در نظر گرفتن ماده ۲۴ قانون ثبت که پس از انقضاء مدت اعتراض دعوی تضییع حق از کسی بعنوان عین و قیمت پذیرفته نمیشود استناد دادگاه شهرستان بمبصره ذیل ماده ۱۱۶ قانون ثبت که ناظر بمورد خاصی بوده و ارتباطی باموضوع مطروحه ندارد بیوجه بوده از این رو رای مورد پژوهشی فسخ شده و دعوی پژوهش خوانده نسبت بمطالبه ثمن اعیانی پذیرفته نمیشود اما نسبت به مهریه مورد مطالبه مشارالیه با توجه ببرك نکاحیه استنادی که مورد تکذیب واقع نشده با توجه بانکه بر طبق دادخواست افران که

از طرف پژوهش خواه بطرفیت پژوهشخوانده نسبت به رقبات بالا تنظیم شده بود و موروثی بودن آنها در آن قید شده و بعلاوه رقبات مزبور از طرف پژوهش خوانده فعلی بعنوان قیومت پژوهش خواه در خواست ثبت شده و مدافعاتیکه در مرحله نخستین از طرف وکیل پژوهش خواه شده تلویحاً حاکی از متروک بودن بعضی رقبات از متوفی می باشد بنظر این دادگاه تصرف پژوهشخواه در نصف ماترک مورث خود ثابت بوده و از این رو محکوم به پرداخت ۰۰۰ ریال بابت نصف مهریه پژوهش خوانده در وجه اومی شود (۰۰۰) - محکوم علیه فرجام خواسته و شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۳۱۶۹ مورخ ۱۲-۲۳-۱۸ چنین رای داده است :

(استناد دادگاه استان بماده ۹۴۸ قانون مدنی و ماده ۲۴ قانون ثبت و محکوم نمودن فرجامخواه بعدم حقایق در مطالبه ثمنیه خود از قیمت اعیانی خانه‌های متروک از شوهرش بملاحظه در خواست ثبت خانه‌ها از طرف فرجام خواه بعنوان قیومت از فرجام خوانده و برادرش وعدم قید حقی برای خود و انقضء مدت اعتراض بنظر خالی از اشکال نیست چه آنکه ماده ۹۴۷ قانون مدنی ارثیه زن را از قیمت ابنیه و اشجار که قهر ابر ذمه ورثه تعلق میگیرد قرار داده و بنا بر این حقی برای زن بنحوشرکت در اعیان فرض نمیشود تا در نتیجه عدم قید آن در ضمن در خواست ثبت حق مزبور ساقط گردد و اینکه در ماده ۹۴۸ قانون مدنی اشعار شده هر گاه ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کنند زن می تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید اختیار است که در صورت استتکاف ورثه از اداء مافی الذمه خودشان بزن داده شده و این امر منافات با انصراف او از استفاده از این حق و مطالبه مافی الذمه از ورثه ندارد بنا بر این حکم در قسمتی که مورد در خواست رسیدگی فرجامی بوده با استناد بماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی باتفاق آراء شکسته میشود .

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه صرف بی‌مبالاتی و خلاف نظامات را (خواه علت قتل غیر عمدی باشد یا نه) بزه دانسته
ماده ۱۷۷ قانون کیفر

را چه علت واقعه بشود و چه حادثه مربوط بآن نباشد
جرم دانسته در صورتیکه این تصور بر خلاف قانون بوده
و تخلف از نظامات یا ارتکاب بی‌مبالاتی وقتی مشمول ماده
۱۷۷ قانون کیفر می‌باشد که آنها مستقیماً یا بطور غیر
مستقیم موجب پیش آمدهای مذکور در آئینامه گردد و
در این قضیه متخصصین منقذاظهار عقیده نموده‌اند که مقتول
بقتله جلواتومبیل آمده و شوفر نتوانسته ترمز کند و هیچیک
از جهات مذکوره در حکم از نداشتن ترمز پائی و سست
بودن ترمز دستی و نداشتن تصدیق موثر در قضیه نبوده
است بناءً علیه حکم برخلاف قانون صادر شده و باتفاق
آراء شکسته می‌شود (۱۰۰۰))

کسی باتهام بی‌مبالاتی و خلاف نظامات در راندن
اتومبیل که ترمزهای دستی و پائی اتومبیل هم خراب بوده
و پروانه رانندگی نیز نداشته و بکسی تصادم نموده و در
اثر مصادمه و رودجرح مرده است مورد تعقیب واقع و در
دادگاه جنحه بششماه حبس در دارالتادیب محکوم می
شود - بر اثر پژوهشخواهی محکوم و دادستان حکم در
دادگاه استان کسینخته و طبق ماده ۱۷۷ و ۳۶ قانون
کیفر بیکسال حبس در دارالتادیب محکوم می‌گردد -
محکوم فرجامخواسته و شعبه (۵) دیوان کشور در حکم
شماره ۳۱۲۲ مورخ ۱۷-۱۲-۱۸ چنین رای داده است:
(از ملاحظه محتویات پرونده چنین بنظر می
رسد که دادگاه فقط وقوع بی‌مبالاتی و خلاف نظامات

رویه دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه با وجود جهات مخففه کیفر را از حداقل پائین نیاورده

ماده ۴۵ و ماده ۱۹۲ قانون کیفر

محکوم میشود - محکوم درخواست رسیدگی فرجامی
نموده و شعبه (۵) دیوان کشور در حکم شماره ۳۱۱۰ مورخ
۱۸-۱۲-۱۸ چنین رای داده است:
(استناد دادگاه بگذشت مدعی خصوصی که طبیعاً
و بر طبق حکایت ماده ۱۹۲ قانون کیفر از جهات مخففه
است حاکیست از اینکه دادگاه نظر تخفیفی در مورد داشته
بنابر این عدم تنزیل کیفر از حد اقل مجازات جرم قانوناً
مورد نداشته و حکم فرجام خواسته بر طبق ماده ۴۳۰
آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته شده (۱۰۰۰))

کسی باتهام زیر گرفتن کسی با اتومبیل مورد
تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و در دادگاه جنحه
بر طبق ماده ۱۷۷ قانون کیفر بار عایت تخفیف بر طبق ماده ۴۵
آن قانون به ۶ ماه حبس تادیبی محکوم میگردد بر اثر پژوهش
خواهی دادستان شهرستان قضیه در دادگاه استان مطرح
و بمناسبت اینکه در نظر دادگاه کیفر متناسب با عمل
ارتکابی نبوده است حکم را کسینخته و با استدلال باینکه
مدعی خصوصی گذشت کرده متهم به ۳۲ ماه حبس تادیبی

نصیم دیوان کشور بر شکستن

۱. راجع باینکه دادگاه باستناد مقدمه بودن جعل برای استفاده نسبت بجعل کیفر جداگانه معین نکرده

۲- راجع باینکه در مورد حکم کیفری نحوه عمل متهم معین نشده

ماده ۱۰۳ و ۱۰۵ قانون کیفر

۱ - دادگاه عمل جعل را نسبت بمتهمه باستناد مقدمه بودن جعل برای استفاده در مورد کسی که هم جاعل و هم مستفید باشد مستلزم کیفر جداگانه ندانسته در باره او فقط کیفر استفاده از برك معمول را معین کرده و حال آنکه مطابق صریح مواد قانون کیفر همگانی مربوط بجعل و استفاده هر يك از این دو عمل بزه مستقل و جداگانه مستوجب کیفر میباشد و فرقی نیست بین این که مرتکب هر دو عمل یکی باشد یا متعدد و اساساً بطور کلی اگر بزه می مقدمه بزه دیگری باشد قاعده مخصوص نیست که دو عمل از لحاظ کیفر در حکم يك عمل تلقی شود مگر در بزهای مر کبه که خود قانون برای مجموع کیفر خاصی مقرر داشته باشد و این قاعده هم با مورد قابل تطبیق نیست.

۲ - دادگاه عنوان استفاده متهمه را از برك معمول مورد حکم خود قرار داده بدون این که نحوه عملی که استفاده تلقی شده معین کرده باشد و از این جهت حکم مخالف اصول بشمار میرود بنابراین وبالحوظ درخواست فرجام تبعی دادستان کل طبق حق مقرر در ماده ۴۳۲ آئین دادرسی کیفری حکم دادگاه جنائی نسبت بمتهمه بموجب ماده ۴۳۰ آئین نامبرده به اتفاق آراء شکسته میشود «۰۰۰»

زنی باتهام اینکه بکمه یک نفر دیگر بدفتر اسناد رسمی رفته و کسی را بجای شوهر خود معرفی کرده و صاحب دفتر طلاقنامه را تنظیم و يك نسخه بزن میدهد و مشارالیهها هم بادیگری ازدوج مینمایند تحت تعقیب واقع شده و ادعای نامه نسبت بزن باستناد مواد ۱۰۳ و ۱۰۵ قانون کیفر و نسبت بمتهم دیگر طبق ماده ۱۰۳ و ۲۸ آن قانون بدیوان جنائی تقدیم میگردد - دیوان نامبرده پس از رسیدگی جعل و استفاده را در مورد متهمه ثابت دانسته ولی از نظر اینکه کیفر جداگانه در صورتی که استفاده کننده خود جاعل باشد بيمورد است تنها او را برای استفاده از سند ساختگی طبق ماده ۱۰۵ قانون کیفر بارعایت تخفیف بششماه حبس تادیبی محکوم می کند و متهم دیگر هم باستناد همان ماده و ماده ۲۸ آن قانون و رعایت تخفیف بیک سال حبس تادیبی محکوم میگردد محکوم ها فرجام خواسته اند و شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۳۱۶۰ مورخ ۱۶-۱۲-۱۸ چنین رأی داده است :

« ۰۰۰ در قسمت راجع بمتهمه اشکال اصولی و قانونی مؤثر در شکست بشرح زیر بر حکم صادر وارد است :

رویه دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه حکم خلافی قابل پژوهش خواهی دانسته نشده

ماده ۲۷۹ آئین دادرسی کیفری و ماده ۲۵ اصلی و اصلاحی قانون سازمان دادگستری

کسی باتهام بزه خلافی طبق فتره ۳ ماده ۲ آئین نامه خلافی در دادگاه بخش به ۳ روز حبس تکدیبری محکوم

پسودا ز این حکم پژوهش خواسته و دادگاه جنحه (باستناد
 ببنکه ماده ۲۵ اصلی اصول سازمان دادگستری احکام
 خلافی دادگاه بخش راقطعی قرار داده و اصلاح ماده
 مزبور نیز ناظر بتغییر این قسمت از ماده اصلی نیست)
 ادخواست را و امیزند دادستان شهرستان فرجامخواسته
 شعبه (۵) دیوان کشور در حکم شماره ۳۱۰۱ مورخ
 ۱۲-۷-۱۸ چنین رای داده است :

((قانون استنادی دادگاه ماده (۲۵) تشکیلات سابق)

یکلی نسخ شده و ماده ۲۵ اصلاحی نسخ آن نیز اختصاص
 با احکام حقوقی دارد بنابراین این احکام خلافی اصولاً قابل
 پژوهش خواهی بوده و قرار دادگاه بر اساس آراء شکسته
 می شود (۰۰۰))

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در مورد قتل غیر عمدی بواسطه بی مبالانی بدون

بازجویی کامل حکم بمحکومیت متهم داده

ماده ۱۷۷ قانون کیفر

کسی در دادگاه جنحه برای بی مبالانی که موجب
 فوت یک نفر عمده شده طبق ماده ۱۷۷ قانون کیفر بچهار
 ماه حبس تادیبی محکوم میشود - از این حکم پژوهش
 خواسته و در دادگاه استان نیز با حضور و کیل متهم و غیاب
 خود او حکم استوار میگردد - متهم از یک طرف حکم را
 غیابی فرض کرده و اعتراض داده و دادگاه استان (بملاحظه
 اینکه رسیدگی با حضور و کیل بعمل آمده و حکم حضوری
 است) دادخواست او را و امیزند از طرف دیگر از حکم
 نخستین که باو ابلاغ شده بوده فرجام خواسته است .
 شعبه (۵) دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۸۲۰
 مورخ ۱۹/۳/۱۹ چنین رای داده است :

« آنچه از ملاحظه دادنامه بنظر میرسد اینست که
 چون متهم بعمله متوفی بعد از ثبت اسمش گفته برود
 مشغول کار شوید و عمل مزبور بدین واسطه زیر خاک رفته
 و فوت نموده است در نظر دادگاه عمل او منطبق با ماده
 استنادی گردیده بدون اینکه تحقیقات در اطراف قضیه
 بعمل آید و در نظر دادگاه معلوم شود که متهم چه اندازه
 تکلیف داشته و نسبت بعمله مزبور سمت آمریت داشته
 یا خیر و تعیین محل کار عملها با او بوده یا نه و بعمله
 مزبور همان قطعه را که خاکش سست بوده نشان داده است
 تا بالاخره معلوم میشود که عمل متهم بدون عمل بواسطه
 بی مبالانی موجب قتل گردیده بنا بر این حکم فرجام
 خواسته از جهت نقص در تحقیقات بر طبق ماده ۴۳۰ آیین
 دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته شده ۰۰۰۰۰ »

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه استان بدون اعلام شدن نواقص پژوهش خواه دادخواست پژوهشی او را و ازده

ماده ۴۹۶ آیین دادرسی مدنی

اداره اوقاف دادخواست اعتراض بر ثبت کسی به
 دادگاه شهرستان تقدیم مینماید - دادگاه نامبرده خود را
 صالح برای رسیدگی ندانسته و قرار عدم صلاحیت به
 عنوان صلاحیت دادگاه شهرستان دیگر صادر کرده است
 پس از صدور رأی پرونده بدادگاه شهرستان اخیر فرستاده
 شده و از طرف این دادگاه اظهاریه بمعارض علیه ارسال

علیه شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۸۰۲ مورخ ۱۵-۳-۱۹ چنین رای داده است:

«استناد دادگاه استان بماده ۲۹۱ قانون آئین دادرسی آزمایش در این مورد صحیح نیست چه فرجام خواه برك مورخ ۲۰-۶-۱۷ را بر حسب مفاد همان برك و برك دیگر دادخواست پژوهشی تلقی و بهمان عنوان تقدیم داشته و طبق ماده مزبور و از آن دادخواست در صورتی مورد داشته که از طرف دفتر نواقص آن به مشارالیه اعلام و در ظرف مدت مقرر رفع ننموده باشد بنا بر این مبادرت دادگاه بوازدن دادخواست قبل از انجام تکلیف مزبور صورت قانونی نداشته و قرار فرجامخواسته مطابق ماده ۵۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی شکسته می شود...»

گردیده و مشارالیه در پاسخ اظهار داشته است که قرار دادگاه نخستین بمن ابلاغ نشده تا اقدام مقتضی به نمایم و سپس در زیر اخطاریه که متضمن تعیین وقت بوده می نویسد «از قرار مزبور شکایت پژوهشی دارم» در لایحه ۲۰-۶-۱۷ خود نیز تصریحاتی دائر در خواست پژوهش نسبت باین قرار کرده و بعداً نیز لایحه‌ای داده مبنی بر درخواست پژوهش و اینکه همان برك مورخ ۲۰-۶-۱۸ بمنزله دادخواست پژوهشی است تقدیم داشته - دادگاه استان (باستناد اینکه پژوهش خواه جز آنچه در زیر اخطاریه نوشته و بعداً نیز لوائیحی نوشته دادخواستی تقدیم نداشته و چون مندرجات زیر اخطاریه کافی برای پذیرفتن آن بعنوان دادخواست پژوهشی نیست و طبق دستور مواد ۷ و ۲۶۰ و ۲۹۱ قانون آزمایش دادخواست تقدیم نشده) دادخواست را و امیزند - بر اثر فرجام خواهی محکوم

تصمیم دیوان کشور بر صلاحیت دادگاه همگانی

راجع باختلاف در صلاحیت میان دادگاههای همگانی و ارتش در مورد سرقت در کوه

قانون تعقیب راهزنان مصوب ۱۳۱۰

شاکتی در کوه واقع شده دادگاه نظامی راصالح ندانسته و مخالفت کرده و بازپرس با این نظریه موافقت نموده و پرونده برای حل اختلاف بدیوان کشور تقدیم میشود - دیوان کشور شعبه (۲) پس از رسیدگی در حکم شماره ۴۳۲ مورخ ۱۸-۲-۱۹ چنین رای داده است:

«همانطور که در نظریه بازپرس دیوان حرب اشعار شده سرقت موضوع اتهام بر حسب شکایت شاکتی در کوه واقع شده و ذکر از طرق و شوارع در میان نبوده رسیدگی در حدود صلاحیت دادگاههای عمومی است و بالنتیجه بازپرس دادگستری برای تعقیب موضوع صالح است»

کسی بدادسرای شهرستان شکایت کرده که برای دادوستد بکوهی میرفته و در راه چهار نفر او را لخت کرده اند بازپرس محل از جهت عدم دلیل قرار منع تعقیب آنها را صادر میکند - دادستان بعنوان اینکه بزه اعلام شده راهزنی است و دادگاههای همگانی صلاحیت ندارند بازپرس دادگستری راصالح برای رسیدگی ندانسته است بازپرس نیز موافقت کرده و عدم صلاحیت خود را با استناد صلاحیت بازپرس دیوان حرب صادر مینماید پس از فرستادن پرونده بدیوان حرب بازپرس آنجا نیز بدوا قرار منع تعقیب از جهت فقد دلیل صادر کرده ولی دادستان بعنوان اینکه متهمین مسلح معرفی نشده اند و دزدی هم بقول

رویه دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در مورد قتل باوجود تعدد بزه بیش از يك درجه تخفیف داده
ماده ۱۷۰ و ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر

دارد و با آنکه مجازات متهم در نظر دادگاه اعدام بوده در صورت رعایت تخفیف بایستی اورا بحبس دائم با اعمال شاقه محکوم نماید و این اعتراض وارد است چه آنکه در ماده ۴۵ مکرر مزبور تصریح شده باینکه هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و اکثر باشد محکمه می تواند در مورد اعدام و حبس دائم یکدرجه و در سایر موارد فقط معادل یکریع از میزان مجازات اصل عمل را تخفیف دهد بنابراین در این مورد که مجازات اصل جرم اعدام بوده دادگاه با رعایت تخفیف بایستی حبس دائم با اعمال شاقه معین نماید حکم فرجام خواسته از حیث تعیین مجازات بر خلاف قانون بوده و بر طبق ماده ۴۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری به اتفاق آراء شکسته شده»

کسی باتهام قتل زن خود و باتهام قاچاق اسلحه و عبور از مرز مورد تعقیب داد سرای شهرستان واقع شده و در دیوانجنائی پنج نفری از جهت قتل بده سال حبس بااعمال شاقه و از جهت قاچاق اسلحه بسه سال حبس تأدیبی و برای عبور از مرز برای هر دفعه به بیست ریال جریمه و بهای تذکره محکوم میگردد - دادستان استان و محکوم علیه از این حکم فرجام خواسته اند - شعبه (۵) دیوانکشور در حکم شماره ۹۰۶ مورخ ۱۹/۳/۲۷ چنین رأی داده است :

« مفاد اعتراض دادستان این است که در قسمت قتل بر طبق ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر همگانی در اینمورد که متهم دارای جرائم متعدده بوده دادگاه مجاز نبوده که بیش از يك درجه تخفیف در حق متهم منظور

رویه دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دیوانجنائی به بزه جنحه ای که در اثر تکرار کیفر جنائی داشته رسیدگی کرده
ماده ۲۳۶ قانون کیفر

صلاحیت رسیدگی محکمه جنحه میباشد و بنابراین رای دادگاه استان بر اینکه چون بواسطه تکرار جرم مجازات متهم جنائی گردیده و دادگاه جنحه صالح برای رسیدگی نبوده خلاف قانون است بنظر وارد می آید چه مناط صلاحیت در رسیدگی جنحه یا جنائی بودن خود عمل انتسابی است و در اینمورد عمل انتسابی بمتهم سرقت مشمول ماده ۲۲۶ میباشد که مجازات آن قانوناً حبس تأدیبی است و بااینحال حکم فرجام خواسته قانونی نبوده و بر طبق ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء

کسی باتهام سرقت مورد تعقیب دادسرای شهرستان واقع شده و در دادگاه جنحه بارعایت تکرار بزه بسه سال حبس بااعمال شاقه و توقفاجباری محکوم میگردد بر اثر پژوهش خواهی او حکم جنحه در دادگاه استان گسیخته شده و قرار عدم صلاحیت بعنوان صلاحیت دیوان جنائی صادر می گردد - دادستان استان درخواست رسیدگی فرجامی نموده و شعبه (۵) دیوان کشور در حکم شماره ۹۰۵ مورخ ۱۹/۳/۲۷ چنین رأی داده است :

« مفاد اعتراض دادستان این است که عمل متهم

شکسته شده

(سرقت) مشمول ماده ۲۲۶ قانون کیفر بوده و در

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد وازدن دادخواست پژوهش دادستان شهرستان

ماده ۳۵۱ آیین دادرسی کیفری

دیگر از حکم فرجام خواسته بعنوان وازدن درخواست پژوهش دادستان راجع باتهام ایراد ضرب بمأمور دولت بخلاف آنکه (موضوع ضرب هم جزو دعوی و مورد حکم دادگاه جنحه محسوب میشود) وارد است زیرا بر حسب مستفاد از مجموع مندرجات حکم دادگاه جنحه موضوع نظر دادگاه مزبور تیرئه متهم از عمل منتسب باو بوده که شامل ضرب هم میشود بنا بر این رای دادگاه استان بر رد درخواست دادستان شهرستان نسبت بضرع با متهم مورد حکم نبودن آن صحیح نبوده و از این جهت بالتبیین رسیدگی دادگاه ناقص و مخالف اصول بشمار میرود و مقتضی بوده دادگاه مزبور مجموع عمل انتسابی بمتهم را مورد نظر قرار داده و حکم مقتضی صادر نماید و تفکیک بین دو قسمت (توهین - ضرب) مورد نداشته لذا حکم فرجام خواسته رویهمرفته مخالف اصول محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آیین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته میشود »

کسی باتهام توهین بکارمند دولت مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و ادعای نامہ بدادگاه جنحه تقدیم میگردد . دادگاه (باستناد اینککه تنها دلیل ادعای نامہ گواهی یک نفر است و گواهی یک نفر هم کافی برای اثبات نیست) متهم را تیرئه میکند . دادستان شهرستان پژوهش خواسته و در درخواست جدا گانه خود با تذکر باینککه مشارالیه متهم با ایراد ضرب بمأمور دولت نیز بوده و بی جهت تیرئه گردیده درخواست پژوهش نموده . دادگاه استان پس از رسیدگی نسبت بتوهین حکم نخستین را استوار و نسبت با ایراد ضرب هم از لحاظ اینککه این اتهام موضوع رسیدگی و حکم نخستین واقع نشده پژوهش دادستان را وامیزند . دادستان استان فرجام خواسته و شعبه ۲ دیوان کشور در حکم شماره ۳۱۵۸ مورخ ۱۶/۱۲/۱۸ چنین رای داده است :

« اعتراض دادرسی استان نسبت به قسمت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی